



صلح امام حسن(ع) با معاویه حاصل جبر جامعه بود

مدیر پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت(ع) معتقد است که خود امام حسن(ع) نیز به صلح با معاویه راضی نبودند، ولی برای نجات امت از قتل عام و جلوگیری از اسارت بنی هاشم، این صلح تحمیلی را پذیرفتند.

مدیر پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت(ع) معتقد است که خود امام حسن(ع) نیز به صلح با معاویه راضی نبودند، ولی برای نجات امت از قتل عام و جلوگیری از اسارت بنی هاشم، این صلح تحمیلی را پذیرفتند. محمد الله اکبری، مدیر پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام در گفت‌وگو با [خبرگزاری بین‌المللی قرآن \(ایکنا\)](#) در خصوص صلح امام حسن(ع) اظهار کرد: سخن گفتن درباره اقدامات ائمه معصومین(ع) حتی با مطالعه، سنجش و دقت، کار آسانی نیست، چه رسد به این‌که این مهم بدون مطالعه صورت گیرد. اگر ما بخواهیم، زمینه‌ها، اسباب، علل و عوامل ایجاد این صلح را بررسی کنیم، به این مطلب می‌رسیم که این صلح تحمیل شده بوده و این مسئله به اختیار خود ایشان نبوده است. وی با اشاره به این‌که در اسلام صلح امری نیکو و مطلوب است و گفته شده که در صورتی که دستی برای صلح به سوی شما دراز شد، با آگاهی آن را بپذیرید و آن را رد نکنید، ادامه داد: خداوند از علمای متعهد و ائمه معصومین(ع) که گل سرسبد علما هستند، تعهد گرفته است تا بر ظلم ظالم، مظلومیت مظلوم و فساد جامعه صبر نکنند. خداوند از علما یک تعهد و از توده مردم تعهدی جداگانه گرفته است. خداوند توده مردم را متعهد کرده که گرد علما جمع شوند و با کمک آن‌ها ظالم را بر سر جایش بنشانند و داد مظلوم را از ظالم بگیرند. حضرت علی(ع) فرموده «اگر نبود پیمانی که خدا از علما گرفته است که بر ظلم ظالم صبر نکنند، من این حکومت را نمی‌خواستم».

لزوم همگامی مردم با علما و امام(ع)

وی افزود: وجود یاران فداکار قابل توجه، نیروی محرکه علماست تا بر ظلم ظالم صبر نکنند. اما اگر این نیرو وجود نداشته باشد، امامان(ع) در انجام وظایف خود ناتوان می‌مانند. وظیفه امام(ع) یک وظیفه بالقوه است که حمایت مردم آن را بالفعل می‌کند. امام علی(ع) در اواخر حیاتشان هرچه طی خطبه‌های متعدد مردم، کوفیان و مسلمانان را برای برچیدن ظلم معاویه به میدان جنگ دعوت می‌کرد، مردم بهانه‌جویی می‌کردند و کمتر می‌آمدند.

وقتی امام علی(ع) به عنوان یک استوانه بزرگ، حکیم و فرزانه از دنیا می‌رود، به لحاظ سنی و شیخوخیت، فرزندش امام حسن(ع) جانشین وی می‌شود و شرایط به نفع معاویه تغییر می‌کند. علی‌رغم این‌که امام حسن(ع) هم علم سیاست دارد، ولی هر چه سخنرانی می‌کند تا مردم متحد شوند، این اتحاد صورت نمی‌گیرد.

عضو گروه تاریخ و اعلام دائرة المعارف قرآن کریم خاطرنشان کرد: در نهایت برخی از یاران صدیق و فداکار امام(ع) به قبائل خود می‌روند و طی سخنرانی‌هایی، نیروهای را برای پیشگیری حمله معاویه فراهم می‌کنند. معاویه در حال پیشروی است، ولی نیرویی برای مقابله با او نیست. سرانجام چند هزار نیرو که هر گروه انگیزه‌های خاص خود را برای مقابله با معاویه دارد، با دل‌ها و انگیزه‌های نامتحد به میدان آمدند.

صلح تحمیلی معاویه بر امام حسن(ع)

وی با اشاره به حرکت امام حسن(ع) اظهار کرد: از سوی دیگر، امام حسن(ع) به میدان آمد و با معاویه مکاتبه کرد تا به او بفهماند که از دستور خلیفه تمرد کرده است. از جهت سوم، معاویه به عنوان یک فرد هوشمند و سیاست‌مدار، نامه‌هایی را به رؤسای قبایل می‌نویسد و به آن‌ها وعده‌های مالی و مقامی و دنیایی می‌دهد. بسیاری از رؤسای قبایل خودشان به معاویه نامه نوشتند و از او در قبال حمایت، خواسته‌هایی داشتند.

الله اکبری بیان کرد: بسیاری از افرادی که در اردوی امام حسن(ع) بودند، به معاویه نامه نوشتند که می‌خواهی سر حسن بن علی(ع) را بیاوریم یا او را دست بسته تحویل بدهیم. یاران امام(ع) و خود ایشان از اوضاع داخلی مطلع بودند و برخی از یاران پیشنهاد می‌دهند تا در مراسمی، سران قبایلی که خیانت کرده‌اند را گردن بزنند اما امام حسن(ع) به جهت این‌که اوضاع عمومی جامعه هم‌رأی با ایشان نیست، گردن زدن خائنان را قبول نمی‌کند.

وی با یادآوری این نکته که معاویه و پدرش کسانی بودند که بیست و یک سال با پیامبر(ص) دشمنی کردند و بعد از فتح مکه «طلیق» یعنی برده آزاد شده پیامبر(ص) به حساب می‌آمدند، تصریح کرد: معاویه حکومت را می‌خواست، برای همین علیه خلیفه مشروع و مقبول مسلمین شورش کرد. او برای کسب مشروعیت حکومتش، می‌خواست حکومت را طوری به دست بگیرد تا نشان دهد که خلیفه حاضر، خلافت را به او واگذار کرده است. به دلیل این مقاصد و انگیزه‌هایی که معاویه داشت، شایعه می‌کند که امام حسن(ع) متمایل به صلح است و می‌خواهد کار را با مصالحه تمام کند. دستگاه تبلیغاتی معاویه بین لشکر اصلی و لشکر مقدم که با هم فاصله دارند، شایعه صلح طرفین را می‌پراکند. لشکر امام(ع) به دلیل روحیه قبیله‌ای و تباری سرانشان با معاویه، ننگیده از هم می‌پاشد و مجموعه این عوامل باعث می‌شود تا امام حسن(ع) به صلح تحمیلی تن بدهند.

چگونگی به انجام رسیدن صلح امام حسن(ع) و معاویه

عضو شورای علمی دانشنامه حج و حرمین شریفین گفت: درباره صلح امام حسن(ع) پرسیده می‌شود که آیا امام حسین(ع) به این صلح راضی بوده‌اند یا نه؟ در پاسخ باید گفت که خود امام حسن(ع) نیز به این صلح راضی نبودند، ولی به جهت این‌که جنگ باعث می‌شد تا قتل عام و اسارت بنی هاشم را در پی داشته باشد و ایشان می‌دانستند که صلح به مراتب امتیازات بیشتری را می‌دهد، این راه را انتخاب کردند.

وی با جلب توجه به این نکته که دو متن صلح‌نامه وجود دارد، ادامه داد: شرح پیدایش یکی از متن نسخه صلح‌نامه از این قرار است که معاویه نامه‌ای را برای امام حسن(ع) فرستاده بود که در آن نامه آمده بود «حسن بن علی (ع) حکومت را با این شرایط واگذار می‌کند، خراج دارابگرد و فسا برای اوست و او باید هر ساله مأمورانش را برای تحویل گرفتن خراج بفرستد و او می‌تواند این پول را در هر راهی که مایل است، خرج کند... امسال هم از بیت‌المال کوفه پنج‌میلیون درهم به ایشان برای پرداخت بدهی‌ها پرداخت می‌شود».

صلح‌نامه مطلوب امام حسن(ع)

وی افزود: وقتی این نسخه از صلح‌نامه به امام(ع) می‌رسد، ایشان به قاصد می‌گویند معاویه می‌خواهد مرا به طمع بندازد و با مال مرا بخرد. در نتیجه ایشان آن نامه را نمی‌پذیرند و خودشان متنی برای او می‌نویسند و می‌گویند ما با این شرایط صلح می‌کنیم که به این قرار بود که معاویه حق ندارد بعد از خود کسی را به حکومت انتخاب کند و حکومت به خودشان بازگردانده شود و اگر ایشان در قید حیات نبودند، حکومت به امام حسین(ع) برسد. شرط دیگر این‌که شیعیانی که در جنگ صفین و جمل با تو جنگیده‌اند و دوست‌داران علی(ع) و خاندان پیامبر(ص) در امان باشند.

عضو شورای علمی پژوهشکده سیره اهل بیت(ع) خاطرنشان کرد: در نسخه پیشنهادی امام حسن(ع)، سخنی از بیت‌المال کوفه و خراج دارابگرد و فسا نیست. قبل از این‌که نامه امام حسن(ع) به معاویه برسد، او مطلع می‌شود که امام متن پیشنهادی او را نپذیرفته، از این جهت معاویه یک کاغذ سفید ممهور به مهر خود را برای امام(ع) می‌فرستد تا ایشان هر شرطی که دارند را در آن بنویسند. وقتی که این کاغذ به دست امام(ع) می‌رسد، ایشان علاوه بر بندهای آن نسخه‌ای که برای معاویه فرستاده و هنوز به دست وی نرسیده، بندهای دیگری را به آن اضافه می‌کند. نکته‌ای که قابل توجه است، این است که امام(ع) نه در نسخه قبلی و در نسخه جدید که نزد خود ایشان مانده و به دست معاویه نرسیده، صحبتی از مال و پول نمی‌کند.

وی بیان کرد: وقتی معاویه و امام حسن(ع) با هم دیگر ملاقات کردند، امام(ع) خواهان این شد که شرایط جدید را اعمال کند و معاویه می‌گوید همان شرایط ارسال شده را اجرا می‌کنم. آن‌چه که امام حسن(ع) در نسخه دست‌نویس خود قید کرده بود، این بود که آن دسته از یاران امام علی(ع) که در لشکر امام حسن(ع) هستند و از دولت حقوق می‌گیرند، حقوقشان از بیت‌المال قطع نشود.

مروجین صلح‌نامه معاویه در جامعه

الله‌اکبری در پایان افزود: بعدها دو گروه متن صلح‌نامه پیشنهادی معاویه را در جامعه نشر دادند؛ یک گروه، اولاد زبیر هستند که وقتی به حکومت رسیدند با بنی هاشم درگیر بودند. آن‌ها ضمن این منازعه سیاسی، این ایده را مطرح کردند که پدر شما حکومت را فروخت. دسته دوم بنی‌عباس هستند که بزرگ‌ترین رقبای آن‌ها فرزندان امام حسن(ع) یعنی محمد ابن عبدالله مشهور به نفس زکیه بودند. دستگاه تبلیغاتی منصور، در برابر ادعای آن‌ها هم نظری مانند زبیریان داشتند و مسائل را به گردن امام حسن(ع) انداختند و متن معاویه را رواج می‌دادند و این در حالی است که در متن مورد نظر امام حسن(ع)، اصلاً بحث پول در میان نبوده است.